



میزگرد «بررسی نحوه تأثیر گذاری معلم»

از زبان دانش آموزان

سمیه اسدی

معلم نمونه و من

اشاره

در پس خاطرات مدرسه به دنبال چهره‌های آشنا می‌گردیم. معلمی که - پس از والدین - گفتار و کردارش روشن‌گر راهمان شده و به زندگی‌مان معنا بخشیده است. برای پاسخ به این سؤال که چند درصد از معنای زندگی را از معلم می‌آموزیم و چند درصد را از ...، به سراغ جمعی از بچه‌های دبیرستان دخترانه ۲۲ بهمن در منطقه ۵ رفته‌ایم. با دانش‌آموزانی که هیجان حرف زدن دستپاچه‌شان کرده بود، به گفت‌وگویی صمیمی نشستیم. از تأثیر معلم و معلم تأثیرگذار پرسیدیم و شما را به خواندن نظرات صادقاته این دانش‌آموزان دعوت می‌کنیم؛ اما صبر کنید! اگر شما به پشت نیمکت‌های کلاس برگردید، چه تصویری از معلم سازنده و تأثیرگذار دارید؟

● سیده بهاره:

از نظر من یک معلم واقعاً می‌تواند تأثیر بگذارد. البته اگر دانش‌آموز هم بخواهد تأثیر بپذیرد. این تأثیر می‌تواند صددرصد باشد و مسیر زندگی فرد را کاملاً تغییر دهد.

● نرگس:

به نظر من علاوه بر اینکه معلم تأثیرگذار است، دانش‌آموز هم باید آمادگی پذیرش را داشته باشد. البته بیان معلم هم مهم است که باید به روشی باشد که برای دانش‌آموز پذیرفتنی شود.

● نفیسه:

یک دبیر خوب با رفتار، گفتار و صحبت‌های خوب خود می‌تواند به دل بچه‌ها بنشیند و اثر بگذارد.

● مریم:

معلم فقط در صورتی می‌تواند تأثیرگذار باشد که به حرف‌های خودش اعتقاد داشته باشد و به آن‌ها عمل کند.

■ بچه‌ها، به نظر شما معلم چقدر می‌تواند روی دانش‌آموز تأثیر بگذارد و باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

اگر شعار بدهد، دانش‌آموز نه آن را قبول می‌کند و نه انجام می‌دهد.

● نگین:

معلم باید از نظر علمی و عاطفی غنی باشد.

● فائزه:

خود دانش‌آموز هم در این تأثیرگذاری مؤثر است. تفکرات و نظرات دانش‌آموزان با اینکه هم‌سن و سال هستند، نسبت به معلم‌های مختلف، متفاوت است. ممکن است یک معلم روی یک دانش‌آموز تأثیر مثبت گذاشته باشد و روی دیگری نه، و اینکه نظر من با نظر دوستم متفاوت است، به تربیت خانوادگی بستگی دارد؛ چون هر کس در خانواده‌ای با تربیت خاص بزرگ شده است و همین، نیازهای متفاوتی را در افراد مختلف ایجاد می‌کند. بنابراین، تأثیرپذیری از یک معلم هم متفاوت است. مثلاً شوخی و مزاح کردن یک معلم به نظر بعضی‌ها خوب است و به نظر بعضی‌های دیگر کسل‌کننده و بچگانه به نظر می‌رسد.

● بهاره‌سادات:

به نظر من نباید درس یا پروژه‌ای که معلم ارائه می‌دهد، روی اجبار باشد. تحمیل کردن کارهای خارج از درس تصویر ذهنی دانش‌آموز را نسبت به معلم منفی می‌کند.

● نرگس:

بعضی وقت‌ها اجبار بد نیست؛ مثلاً همین نماز خواندن. من تا پارسال نماز نمی‌خواندم تا اینکه معلمم از من پرسید: «آیا واقعاً به تأثیرات نماز در زندگی اعتقاد داری؟» گفتم: «بله، اما نمی‌دانم چرا نماز نمی‌خوانم.» گفت: «به این فکر کن که اگر امشب قرار باشد زندگی‌ات تمام شود، چه می‌کنی؟»

از آن روز به بعد من نماز خواندن را شروع کردم. اولش برایم خیلی سخت بود اما کم‌کم باعث شد تمام کارهای من روی برنامه انجام شود و بیشتر به خدا فکر کنم.

خیلی مهم است که بتوانیم با اثبات علمی و استدلال، از دریچه اعتقادات هر فرد به وجود و اطاعت از خدا برسیم. دلایل یک معلم باید متناسب با اعتقادات فرد باشد.

● رومینا:

به نظر من معلمی شغل انبیاست. پیامبران ما برای اینکه چیزی را به بندگان خدا بیاموزند، بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده بودند. معلم‌های ما هم می‌توانند با هشدار دادن، روی بچه‌ها خیلی تأثیر بگذارند. این هشدار می‌تواند در زمینه درس خواندن هم باشد که با بی‌توجهی به آن، چه سرنوشتی در انتظار ماست.

● فائزه:

همان‌طور که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «رطب خورده منع رطب چون کند.» اگر معلم کاری را که می‌خواهد بچه‌ها انجام دهند خود نیز انجام دهد و پایه‌پای بچه‌ها عمل کند، تأثیر بیشتری می‌گذارد.

● بهاره‌سادات:

به نظر من اجبار کردن مخصوصاً در مسائل دینی مثل نماز، اصلاً خوب نیست. اگر معلم بیاید و بگوید که با توجه به آیات قرآن یک هفته امتحانی نماز بخوان، اگر تغییری احساس نکردی آن را کنار بگذار و در غیر این صورت آن را ادامه بده، نتیجه بهتر است. مثلاً ما را برای نماز خواندن به نمازخانه می‌برند اما فقط نماز ظهر و عصر را می‌خوانیم و در خارج از مدرسه این روند ادامه پیدا نمی‌کند.

■ تجربه‌های خودتان را از معلم‌های خوب بگویید؟

● مریم:

من تأثیرات متعددی از معلم‌هایم گرفته‌ام. به‌طور مثال، معلم شیمی ما خیلی مهربان است. با اظهار محبت او به دانش‌آموزان، هم به درس شیمی علاقه‌مند می‌شویم و هم یاد می‌گیریم به یکدیگر محبت کنیم.

● پگاه:

من در دوره ابتدایی با معلمی آشنا شدم که مرا در راه اسلام قرار داد. او شخصی بود که زیبایی‌های مخلوقات خدا را برایم بازگو کرد. ایشان طوری دین را برای من شرح می‌داد که مشخص بود خودش از ته دل به آن ایمان دارد. حتی بعضی که شاید تکراری بود و خیلی از خانواده و سایرین شنیده بودم، خیلی در من نفوذ می‌کرد. او بسیار با محبت بود و به من آرامش می‌داد و باعث شد از کودکی با قرآن انس بگیرم و به ختم قرآن بپردازم.

● من هشدار دادن و اجبار را قبول ندارم؛ چراکه باعث می‌شوند از یک پرتگاه دیگر بیفتیم. معلم زمانی اثرگذار است که با عطف با بچه‌ها برخورد کند نه با تنبیه و خشونت!

خانم احمدی دبیر پرورشی ما هستند. صحبت‌های ایشان را من با گوش جان می‌پذیرم. اوایل که نماز می‌خواندم، فقط از سر وظیفه بود و تمام کارهایم را با دیگران مقایسه می‌کردم. مثلاً می‌گفتم اگر نماز من سر وقت نیست، اشکالی ندارد؛ چون نماز خواهرم هم دیر شده است. خانم احمدی می‌گفت: «به کسی کاری نداشته باشید و نگویید که چون فلانی این کار را انجام می‌دهد، پس خوب است! ما می‌خواهیم با هم به یک نقطه تکامل برسیم.»

همان‌طور که پیامبر

(ص) فرموده‌اند:

«رطب خورده منع

رطب نمی‌کند.» اگر

معلم کاری را که

می‌خواهد بچه‌ها

انجام دهند خود

نیز انجام دهد و

پایه‌پای بچه‌ها عمل

کند، تأثیر بیشتری

می‌گذارد





● رومینا:

من امسال از خدا خواستم که راهی جلوی پای من بگذارد که بهتر بشناسمش و با او انس بگیرم. این باعث شده بود به حرف‌های دیگران بیشتر توجه کنم؛ از جمله افرادی که امسال خیلی روی من تأثیر گذاشتند، خانم احمدی بود. این روزها تقلید، کار همه شده است. کار من هم شده بود تقلید کردن. شاید نماز و روزهام نیز از روی تقلید بود که به قول خانم احمدی [به نقل از مولوی]: «خلق را تقلیدشان بر باد داد/ ای دو صد لعنت بر این تقلید باد»

خانم احمدی در ابتدای کلاس دعای فرج می‌خواند که برایم خیلی لذت‌بخش است اما فکر می‌کردم بچه‌ها مسخره می‌کنند. بعدها متوجه شدم همه بچه‌ها از خواندن دعا لذت می‌برند. من از او یاد گرفتم که شخص می‌تواند با واقعیت خودش بر دیگران تأثیر بگذارد.

● نگین:

خانم شکیبافر که با او کلاس فلسفه داریم، یک روز در کلاس از یک دانشمند غربی، که در خصوص نحوه خروج انرژی منفی از بدن انسان تحقیق کرده بود، صحبت کرد. در این تحقیق بهترین روش دفع انرژی منفی سجده بر خاک رو به قبله بود. این موضوع مرا منقلب کرد که یک دانشمند غربی که از اسلام چیزی نمی‌داند، این‌گونه در دین من پژوهش می‌کند و من...؟

● نرگس:

خانم شکیبافر در کلاس گفتند گاهی معلم جرقه‌ای در کلاس ایجاد می‌کند و دانش‌آموز باید به دنبال این باشد که آن جرقه را به ناری تبدیل کند، و از آن نور بگیرد. من به این جرقه ایمان آورده‌ام. روزی سر کلاس، ایشان گفت «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ». وقتی تفسیر این آیه را خواندم، گریه‌ام گرفت که خدا چگونه وجود خود را به ما نشان داده است.

معلم دیگری هم داشتم که با وجود جدی بودن، خیلی دوستش دارم؛ چون می‌دانم که دلسوز است و با خلوص تدریس می‌کند.

● سیده بهاره:

سال دوم راهنمایی یک معلم جغرافیا داشتیم که مباحث جغرافیا را همراه اخلاق و دین به ما تدریس می‌کرد. بر اولین مسئله‌های که خیلی تأکید داشت، «حق الناس» بود که اگر به آن پایبند باشیم، می‌توانیم به خیلی جاها برسیم. معلم دیگری هم داشتیم که می‌گفت: «دل‌م نمی‌خواهد بچه‌های این کلاس نمره زبانشان کمتر از ۱۵ شود.»

من خیلی آشفته شدم؛ چون گرفتن این نمره برای من واقعاً دشوار بود و بالاترین نمره زبان من ۱۲ بود. به همین جهت، مشکل خود را نوشتم و به او دادم. او مرا صدا کرد و گفت: «واقعاً برای تو متأسفم که خود را این قدر حقیر می‌شماری! مگر نسبت به بقیه بچه‌ها کم و کاستی داری که نمی‌توانی نمره خوب بگیری؟ تو باید همیشه بیست بگیری و این را ملکه ذهن کن.»

باورتان نمی‌شود، نمره زبان من بیست شد. حتی مادرم فکر می‌کرد نمره من اشتباه شده است. همیشه معلم زبانم را دعا می‌کنم که مرا به درس علاقه‌مند کرد.

یکی دیگر از معلم‌ها هم خیلی صبور است. حتی یک بار هم، به خاطر اذیت‌های بچه‌ها داد و فریاد نکرده است و آن قدر خوب رفتار می‌کند که بچه‌ها شرمند می‌شوند. من از او یاد گرفتم زود عصبانی نشوم و همیشه با آرامش کارهایم را پیش ببرم.

● مریم:

من چادری هستم. اول که پدرم گفت چادر سر کنم، خیلی ناراحت شدم اما به مرور که از چادر استفاده کردم و دیدم معلم‌هایی هم که دوستشان دارم با حجاب‌اند، به آن علاقه‌مند شدم و به خاطر حفظ شأن چادر، خیلی کارها را انجام نمی‌دهم.

■ با یک معلم

چرا صحبت‌های شما این همه روی بچه‌ها اثر گذاشته است؟

● خانم احمدی، دبیر پرورشی و معاون آموزشی:

تلاش من این بوده است که چیزهایی را به بچه‌ها بگویم که خودم عمل می‌کنم. خیلی از مسائل را که یقین ندارم یا عمل نمی‌کنم یا درباره آن‌ها مطالعه کافی ندارم، مورد بحث قرار نمی‌دهم. البته به‌طور خصوصی صحبت‌هایی می‌شود اما در جمع نه. اگر صحبتی به دل بچه‌ها می‌نشیند، به‌خاطر ضمیر پاک بچه‌هاست که مدیون پدرها و مادرهایشان هستند.

از حضور دانش‌آموزان دبیرستان ۲۲ بهمن و دو معلم خوششان خانم شکیبافر و خانم احمدی تشکر می‌کنیم. در مجموع می‌توان گفت که بچه‌های ما به دنبال الگوهای محسوس در زندگی هستند و بیشترین تأثیر را از الگوهای اجتماعی همچون معلمان می‌گیرند. شما معلم‌های عزیز! آیا به دنبال الگو شدن و تربیت و معرفی الگو هستید؟

اول که پدرم گفت

چادر سر کنم،

خیلی ناراحت شدم

اما به مرور که از

چادر استفاده کردم

و دیدم معلم‌هایی

هم که دوستشان

دارم با حجاب‌اند،

به آن علاقه‌مند

شدم و به خاطر

حفظ شأن چادر،

خیلی کارها را

انجام نمی‌دهم

